

رابطه بین طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی زنان

سهیلا فلاح^۱، زهره شکیبایی^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تنکابن، گروه روانشناسی، تنکابن، ایران

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تنکابن، تنکابن، ایران

چکیده

مقدمه: هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه‌ی بین طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی زنان بود. **روش:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی و از نوع همبستگی بود. برای تعیین حجم نمونه در پژوهش‌های همبستگی بنا به نظرکلین^۱ (۱۳۹۴) لازم است به ازای هر مقیاس حداقل ۳۰ تا ۵۰ نمونه داشته باشیم، بنابراین از جامعه آماری زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر تهران ۱۰۰ به روش نمونه‌گیری هدفمند داوطلبانه انتخاب شدند. جهت رسیدن به اهداف پژوهش از پرسشنامه‌های گرایش به روابط خارج از ازدواج، بهزیستی روانشناختی ریف (فرم کوتاه) و طلاق عاطفی محمدی و همکاران (۱۳۹۴) متناسب با اهداف تحقیق استفاده شده است. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد بین طلاق عاطفی با روابط فرازناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ و رابطه بین بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی منفی و معنادار به دست آمد ($p \leq 0.01$). **بحث و نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد که متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی می‌توانند در ایجاد روابط فرازناشویی نقش داشته باشند و طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی بهترین پیشبینی کننده برای روابط فرازناشویی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: طلاق عاطفی، بهزیستی روانشناختی، روابط فرازناشویی

مقدمه:

روابط فرازناشویی^۱ همیشه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می شود. این نوع رابطه باعث بروز احساساتی مانند افسردگی^۲، خشم^۳، ناامیدی^۴، عدم اعتماد به نفس^۵، از دست دادن هویت و احساس بی ارزشی در همسری می شود که به او خیانت شده است (امرزو^۶ و همکاران، ۲۰۱۲). خیانت زناشویی همچنین باعث بروز احساس تردید، افسردگی و احساس گناه در همسری می گردد که خیانت کرده است (بوکام و همکاران^۷، ۲۰۰۹). بررسی پیشینه پژوهش در زمینه عوامل مرتبط با روابط فرا زناشویی نشان می دهد که به طور کلی این عوامل در سه حیطه تفاوت های فردی (مانند ویژگی های شخصیتی و نگرش ها)، ماهیت رابطه (مانند سطح تعهد و رضایت از رابطه) و شرایط محیطی (مانند فرصت خیانت یا جذابیت شخص سوم) گنجانده می شود (وین درمن و هیورد، ۱۹۹۹؛ فریکر، ۲۰۰۶).

خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه پذیری و کهن ترین هسته ی طبیعی، در همه ی جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیاید. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می دهد. ازدواج مبنای شکل گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (موسایی و همکاران، ۲۰۱۱). آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده ی میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر به طلاق های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی های خاموش و خانواده های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی کنند (بخارایی، ۱۳۸۶)، در واقع برخی ازدواج ها که با طلاق پایان نمی یابند، به ازدواج های توخالی تبدیل می شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می روند و زمان را سپری می کنند (استیل و کید، ۱۳۸۸).

طلاق عاطفی^۸ نوع دیگری از طلاق و پدیده ی بسیار مهمی است که در هیچ کجا به ثبت نمی رسد. این نوع طلاق مربوط به خانواده هایی است که به دلایلی مانند سنت های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش های منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می گیرند که به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (صفاییراد، وارسته فر، ۱۳۹۰). از این رو یکی از عوارض این نوع زندگی شکل گیری روابط فراخانوادگی و فرازناشویی و آسیب دیدگی صداقت اجتماعی است.

^۱ Crossover relationships^۲ Depression^۳ Anger^۴ Frustration^۵ Self confidence^۶ Omarzu^۷ Baucom, D.H.D.K. Snyder, and K.C.Gordon^۸ Emotional Divorce

در سالیان اخیر رویکرد آسیب‌شناختی در حوزه‌ی مطالعات سلامتی انسان مورد انتقاد قرار گرفته و به جای تعریف سلامتی به عنوان عدم وجود بیماری، از معیار جدیدی بنام «بهبودی روانشناختی»^۹ صحبت به میان آمده است (ریف و سینگر، ۲۰۰۴).

بر طبق این رویکرد، عدم وجود نشانه‌های اختلالات روانشناختی، به عنوان تنها شاخص سلامتی کنار گذاشته شده و ویژگی‌هایی مثبتی چون سازگاری، شادمانی و اعتماد به نفس نیز در نظر گرفته شدند. بنابراین سلامت روان معادل کارکرد مثبت روان شناختی تلقی می‌شود. از این رو داشتن احساس رضایت از زندگی، پیشرفت بسنده، تعامل کارآمد و موثر با جهان و انرژی و خلق مثبت در کنار عدم وجود نشانگان بیماری روانشناختی، جزو ویژگی‌هایی بودند که ملاک بهبودی روانشناختی تلقی شدند (ریف و سینگر، ۲۰۰۴).

بهبودی روانشناختی وابسته به شرایط و عوامل گوناگون، تغییر می‌کند. تحقیقات بسیاری بر تأثیر متغیرهایی چون سن، جنس یا وضعیت اقتصادی، اجتماعی در بهبودی روانشناختی تایید کرده‌اند (شکری و اتال، ۲۰۰۸). برخی از تحقیقات نیز تأثیر تجارب زندگی (چون ازدواج، بچه‌دار شدن، طلاق فوت همسر و ...) کورتیمی^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ و یا مواجهه با مسائلی چون داشتن والدین الکلیک، داشتن بچه‌ی عقب مانده‌ی ذهنی (کومیک و اتال، ۱۹۸۳؛ علی‌زاده، ۲۰۰۲) و یا پرستاری از همسر یا والدین بیمار (ریف و سینگر، ۲۰۰۸) را مورد مبالغه قرار داده و بر نقش آنها اذعان داشته‌اند. بر اساس دیدگاه واقعیت درمانی افرادی که دارای هویتی ناموفق هستند از احساس تنهایی و بی‌ارزشی رنج می‌برند. آنها واقعیت را انکار می‌کنند و دچار ناخشنودی از زندگی، اضراب، افسردگی و عدم احساس مسئولیت می‌شوند. آنها نه برای خود و نه برای دیگران ارزش قائل نیستند (شفیع آبادی و همکاران، ۲۰۰۹).

بررسی‌های علمی برای شناسایی عوامل و متغیرهای مرتبط با این مشکل و پیامدهای آن در جامعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در کشورهای مختلف، در خصوص علل و عوامل به وجود آورنده بی‌وفایی زناشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن تحقیقات مختلفی شده است؛ درحالی که به دلیل حساسیت زیاد و دسترسی نداشتن آسان به افراد و نیز واکنش شدید جامعه و قوانین به عاملان، پژوهش‌ها در این زمینه در ایران بسیار اندک و ناکافی است. در این ارتباط رشید و مرادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی و شناسایی نقش متغیرهای ارتباطی در پیش‌بینی طلاق عاطفی" دریافتند که توانایی ارتباط، توانایی حل تعارض و مسوولیت‌پذیری ۴۸ درصد تغییرات طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. رسولی‌تبار و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد. در این پژوهش نشان داده شد که زوجین در اثر ضعف سواد عاطفی و ناتوانی در حل تعارض، طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند. بنابراین بررسی میزان سواد عاطفی زوجین و همچنین شناسایی سبک‌های حل تعارض زوجین درک بهتری از سبب‌شناسی پدیده‌ی طلاق عاطفی در زوجین فراهم می‌آورد. رحمانی و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی ۱۸۰ نفر از جامعه ۶۴۰ نفری پژوهش خود، دریافتند که بین بن مولفه‌های بهبودی روانشناختی یعنی پذیرش خود، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون مشخص کرد که تحریف‌های شناختی و دو مولفه

^۹. Psychological Well-being

^{۱۰}. Ryff & Singer,

^{۱۱}. Kordtmini

^{۱۲} Comic & etal

بهزیستی روانشناختی یعنی روابط مثبت با دیگران و زندگی هدفمند می‌توانند به عنوان بیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی عمل نمایند. شریفی و همکاران (۱۳۹۱) نیز با بررسی ۲۵۰ نفر از زنان متاهل که مراجعه کننده به مراکز مشاوره و فرهنگسراهای شهر اصفهان که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند نشان دادند که بین طرحواره‌های عشق و توجیه روابط فرازناشویی رابطه وجود دارد، و رابطه بین طرحواره‌های عشق و اقسام توجیه خیانت‌های زناشویی به عنوان عوامل فردی موثر در روابط فرازناشویی مورد تایید قرار می‌گیرد. به‌طور کلی طرحواره عشق ایمن کمترین میزان رابطه را تایید کرد. در طول دهه ۱۹۵۰، مبانی نظری زیادی درباره‌ی بی‌وفایی زناشویی منتشر شد و تا دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مطالعات پراکنده‌ای در این زمینه انجام شد. نگرانی درباره‌ی ایدز و رفتارهای جنسی پرخطر باعث شد به این نوع تحقیقات توجه ویژه شود؛ در نتیجه مطالب مربوط به ادبیات موضوع افزایش چشم‌گیری یافت جنیفریو^{۱۳} (۲۰۰۹). واگهان^{۱۴} (۲۰۰۸) از طریق وب سایت خود به تحقیقی در مورد زنان آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی پرداخت. در این بررسی ۱۰۸۳ زن، که همسرانشان روابط جنسی نامشروع داشتند شرکت نمودند. یافته‌ها حاکی از آن بود که میزان بحث و گفتگو زوجین در مورد مساله خیانت و میزان پاسخگویی همسر خیانتکار، رابطه معناداری با کیفیت رابطه زناشویی و التیام یافتن همسر زخم خورده داشت. سایر نتایج به شرح ذیل می‌باشد. از بین زوج‌هایی که به بازسازی رابطه خود پرداختند و متاهل ماندند، ۸۶٪ به همه سئوالات، ۸۱٪ به برخی سئوالات همسر پاسخ دادند و ۵۹٪ از پاسخگویی به سئوالات امتناع کردند. به عبارتی پاسخگویی به سئوالات همسر زخم خورده و گفتگو در مورد جزئیات موضوع، احتمال احیای زندگی مشترک و پیشگیری از خطرات احتمالی خیانت مجدد را افزایش می‌دهد به اعتقاد واگهان هیچ چیز بدتر از ندانستن نیست. گواررو فاستر باکمن^{۱۵} (۲۰۰۸)، نیز نشان دادند که بر خلاف برخی تحقیقات قبلی، تعهد عامل میانجی بین مولفه احساس رضایت-وابستگی و رابطه زناشویی، نبود و میزان وابستگی به همسر، بیش‌بینی کننده بهتری نسبت به عامل تعهد بود و تاثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر الگوهای ارتباطی داشت. به عبارت دیگر افراد پس از بی-وفایی و خیانت همسر، بدون توجه به تعهد قبلی، مجدداً میزان تعهد خود به رابطه زناشویی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و مولفه‌های تشکیل دهنده تعهد (میزان رضایتمندی، کیفیت ارتباط جدید و سرمایه‌گذاری بر رابطه زناشویی) مستقیماً تحت تاثیر سبک ارتباطات زناشویی پس از افشاء خیانت و بی‌وفایی یکی از زوجین است. بدین معنی که پس از وقوع خیانت، ارتباطات سازنده، منجر به بازسازی رابطه و وفاداری می‌شود و بالعکس ارتباطات مخرب، منجر به کاهش ارتباط، انتقام‌گیری و فاصله گرفتن از یکدیگر می‌گردد. همچنین مشخص شد افرادی که عهدشکنی همسر را بسیار منفی و گناهی نابخشودنی تلقی کردند، سبک ارتباطی مخرب و فاصله گرفتن از وی را در پیش گرفتند. اصلاح و بازسازی رابطه پس از وقوع خیانت و بی‌وفایی یکی از زوجین، امری ساده و آسان نیست ولی عوامل احساس رضایت و سرمایه‌گذاری بر روابط زناشویی و ارتباط ضعیف با نفر دیگر در کمک به افراد، جهت برقراری و ایجاد روابط سازنده‌تر پس از افشاء خیانت همسر بسیار تاثیرگذار است.

بر این اساس در این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال هستیم که آیا بین طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی زنان رابطه وجود دارد؟

^{۱۳} Jeanfreau, Michelle, Marchese^{۱۴} And if^{۱۵} Foster Gvarrv Bachmann

روش

نوع پژوهش

این مطالعه از نوع پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. که در این پژوهش طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی، متغیر پیش بین و روابط فرازناشویی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده اند.

آزمودنی ها

جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان درمانی شهر تهران تشکیل می دادند؛ روش نمونه گیری هدفمند بوده و برای تعیین حجم نمونه در پژوهش های همبستگی بنا به نظر کلاین^۱ (۱۳۹۴) لازم است به ازای هر مقیاس حداقل ۳۰ تا ۵۰ نمونه داشته باشیم. در پژوهش حاضر با توجه به تعداد متغیرهای پیش بین تعداد حجم نمونه ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

روش اجرا

پس از کسب مجوز های لازم به منظور جمع آوری اطلاعات، از بین کلیه زنان زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان درمانی شهر تهران، به روش نمونه گیری در دسترس و حجم نمونه بر اساس تعداد مولفه های پژوهش به تعداد ۱۰۰ نفر به انتخاب شدند و بعد از ارائه توضیحاتی در مورد پرسشنامه های پژوهش برای آزمودنی ها، پرسشنامه ها با نظارت محقق به آزمودنی ها داده شد و آنها به پرسشنامه ها پاسخ دادند. سپس به بررسی پاسخ ها و تحلیل آماری پرداخته شد که یافته های آماری نتایج این پژوهش را مشخص کردند.

ابزار های پژوهش

۱. پرسشنامه گرایش به روابط خارج از ازدواج: پرسشنامه محقق ساخته توسط خانم ملیحه شیردل در سال (۱۳۸۵) می باشد. این پرسشنامه از ۲۱ ماده تشکیل و به روش لیکرت ساخته شده است و دارای ۴ گروه سؤال به شرح زیر است: ۱. به دلیل نارضایتی از روابط جنسی (همسر)، ۲. نارضایتی از روابط عاطفی (همسر)، ۳. تنوع طلبی، ۴. سوء ظن نسبت به وفاداری همسر و حس انتقام جویی از وی؛ برای سنجش میزان روایی محتوایی، این پرسشنامه توسط ۵ استاد با مدارک دکترای روان - سنجی، مشاوره، روانشناسی و آسیب شناسی اجتماعی و خانواده، مورد بررسی قرار گرفت که روایی محتوایی آن را مورد تأیید قرار دادند. برای سنجش میزان اعتبار آزمون (همسانی درونی)، این پرسشنامه بر روی ۲۱ نفر (۱۰ نفر زن و ۱۱ نفر مرد) به - عنوان نمونه اجرا شده و آلفای کرانباخ محاسبه شد که آلفای کرانباخ در آزمون میزان گرایش به رابطه نامشروع ۰/۹۳ بدست آمد که نشان می دهد این آزمون از اعتبار (همسانی درونی) بالایی برخوردار است. پرسشنامه فوق از نوع لیکرت است. سؤالات دارای بار مثبت به ترتیب از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، نمره ۵ تا ۱ به آنها تعلق می گیرد، و سؤالاتی دارای بار منفی هستند، به ترتیب از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، نمره ۱ تا ۵ به آنها تعلق می گیرد (شیردل، ۱۳۸۹).

۲. پرسشنامه ی بهزیستی روان شناختی ریف (فرم کوتاه): این پرسشنامه ۱۸ سوال داشته و هدف آن ارزیابی و بررسی بهزیستی روان شناختی از ابعاد مختلف (استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود) می باشد. طیف نمره گذاری آن بر اساس طیف لیکرت شش گزینه ای است و دارای ۶ بعد ۱. استقلال؛ ۲. تسلط بر محیط؛ ۳. رشد شخصی؛ ۴. ارتباط مثبت با دیگران؛ ۵. هدفمندی در زندگی؛ ۶. پذیرش خود، می باشد. همسانی درونی

این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ در ۶ عامل پذیرش خود، تسلط محیطی، رابطه ی مثبت با دیگران، داشتن هدف در زندگی، رشد شخصی و استقلال به ترتیب برابر با ۰/۵۱، ۰/۷۶، ۰/۷۵، ۰/۵۲، ۰/۷۳، ۰/۷۲ و برای کل مقیاس ۰/۷۱ بدست آمد.

۳. پرسشنامه استاندارد طلاق عاطفی محمدی و همکاران (۱۳۹۴): پرسشنامه طلاق عاطفی، توسط محمدی، جوکار کمال آبادی و گلستانه (۱۳۹۴) طراحی شده است. این مقیاس دارای ۳۶ گویه و دارای ابعاد انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه گیری، واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، قدرت و منابع، فقدان و افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدود کردن و مشکلات جنسی می باشد. هر کدام از ابعاد دارای ۴ سوال می باشند که با یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای (هرگز تا همیشه) و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۴ است. در پژوهش (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵) روایی پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان این حوزه تأیید شده است.

روش تحلیل داده ها

به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده ها از روش های توصیفی شامل (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و روش های استنباطی (همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) استفاده شد. نتایج شاخص های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی در جدول شماره (۱) گزارش شده است.

گروه آزمایش				گروه گواه				مولفه
پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون		
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۰/۶۵۱	۷۰/۶	۸/۲۳۶	۱۶۰	۱۶۶۶	۳۰/۶	۸/۳۹۱	۲۴/۵۳	افسردگی
	۲۶		۲۹	۰	۱۷			
۱/۶۱۸	۱/۳۴۰	۱/۵۴۴	۱/۰۷	۱/۶۳۲	۴۵/۰۱۶	۱۰/۰۷۷	۱/۱۳	نشخوارفکر ی
۰	۵۴	۱۲	۵۸	۰			۵۱	

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی (N=۱۰۰)

چنانکه نتایج در جدول فوق دیده می شود که میانگین طلاق عاطفی ۶۵/۵۴ با انحراف معیار ۱۶/۲۳، میانگین بهزیستی روانشناختی با میانگین ۴۸/۵۸ با انحراف معیار ۱۸/۵۳، میانگین روابط فرازناشویی ۷۷/۰۷ با انحراف معیار ۱۱/۶۸، است.

برای استفاده از آزمون های پارامتریک ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نرمال بودن توزیع متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی بررسی می شود.

جدول ۲: آزمون کولموگروف – اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده های متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی

متغیرها	آماره آزمون	سطح معناداری	تعداد
طلاق عاطفی	۱/۱۹۹	۰/۰۹۹	۱۰۰
بهزیستی روانشناختی روابط	۱/۱۸۱	۰/۱۱۳	۱۰۰
فرازناشویی	۱/۱۵۶	۰/۱۳۸	۱۰۰

مطابق اطلاعات جدول سطح معناداری آزمون کولموگروف – اسمیرنف برای همه متغیرها مورد مطالعه بیشتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا نتیجه آزمون برای هیچ یک از متغیرها معنی دار نیست و در نتیجه توزیع همه متغیرها نرمال می باشد بنابراین می توان از آزمون های پارامتریک برای آزمودن فرضیه های پژوهش استفاده کرد.

برای آزمون فرضیه های پژوهش نتایج ضریب همبستگی مورد توجه قرار گرفته و هر یک از آنها را بررسی شده اند.

جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی

متغیر	طلاق عاطفی	بهزیستی روانشناختی	روابط فرازناشویی
طلاق عاطفی	۱	۰/۳۸۹**	۰/۵۸۴**
بهزیستی روانشناختی	-	۱	۰/۴۱۸**
روابط فرازناشویی	-	-	۱

$p < ۰/۰۱$ **

داده های جدول فوق نتایج آزمون رابطه خطی همبستگی پیرسون بین متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی را نشان می دهد. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده رابطه خطی بین طلاق عاطفی با روابط فرازناشویی در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنادار است. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده رابطه خطی بین بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی در سطح ۰/۰۱ منفی و معنادار است.

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: بین طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی زنان رابطه وجود دارد.

جهت تعیین بهترین پیش بینی کننده روابط فرازناشویی از بین متغیرهای پیش بینی کننده طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی از مدل رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. قابل ذکر است که متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی وارد معادله شده است نتایج حاصل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون (متغیر که با استفاده از مدل گام به گام وارد معادله رگرسیون شده اند) طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی

شاخص ها منبع تغییرات	ضریب تفکیکی رگرسیون (B)	خطای معیار	ضریب استاندارد تفکیک رگرسیون (B)	آزمون T برای معناداری شیب خط رگرسیون	سطح معناداری
مدل اول	مقدار ثابت	۴۹/۵۱۲			
طلاق عاطفی	۰/۴۲۰	۰/۵۹	۰/۵۸۴	۷/۱۲۹	۰/۰۰۰
مدل دوم	مقدار ثابت	۶۰/۵۱۲			
طلاق عاطفی	۰/۳۵۸	۰/۰۶۲	۰/۴۹۷	۵/۷۴۹	۰/۰۰۰
بهزیستی روانشناختی	-۰/۱۴۲	۰/۵۴	-۰/۲۲۵	-۲/۵۹۹	۰/۰۱۱

در مدل اول متغیر طلاق عاطفی وارد معادله شده و معادله آن به صورت زیر تنظیم گردیده است.

$$\hat{Y} = a + b_1 x_1$$

(متغیر طلاق عاطفی) $\times (۰/۴۲۰) + ۴۹/۵۱۲$ = روابط فرازناشویی

با توجه به نتایج جدول ۶ مشخص می شود مقدار β استاندارد شده مربوط به متغیر طلاق عاطفی ۰/۵۸۴ است این عدد نشان می دهد که متغیر طلاق عاطفی به طور مستقیم بر روابط فرازناشویی اثر دارد و متغیر طلاق عاطفی ۰/۵۸۴ تغییرات متغیر ملاک روابط فرازناشویی را پیش بینی کند.

اگر یک واحد تغییر در متغیر پیش بین طلاق عاطفی مشاهده شود متغیر ملاک فرازناشویی ۰/۵۸۴ تغییر می کند بدین معنا که با افزایش متغیر طلاق عاطفی متغیر روابط فرازناشویی افزایش پیدا می کند. چنانچه دیده می شود مقدار T مربوط به متغیر طلاق عاطفی ۷/۱۲۹ در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

در مدل دوم متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی معادله شده وارد معادله آن به صورت زیر تنظیم گردیده است.

$$\hat{Y} = a + b_1 x_1 + b_2 x_2$$

(متغیر طلاق عاطفی) $\times (۰/۳۵۸) + ۶۰/۵۱۲$ = روابط فرازناشویی

(متغیر بهزیستی روانشناختی) $\times (-۰/۱۴۲) +$

با توجه به نتایج جدول ۶ مشخص می شود مقدار β استاندارد شده مربوط به متغیر بهزیستی روانشناختی -۰/۲۲۵ است این عدد نشان می دهد که متغیر بهزیستی روانشناختی به طور معکوس بر متغیر فرازناشویی اثر دارد و متغیر بهزیستی روانشناختی -۰/۲۲۵ تغییرات متغیر ملاک روابط فرازناشویی را پیش بینی می کند.

اگر یک واحد تغییر در متغیر پیش بین بهزیستی روانشناختی مشاهده شود متغیر ملاک فرازناشویی ۰/۲۲۵- تغییر می کند بدین معنا که با افزایش متغیر بهزیستی روانشناختی، متغیر روابط فرازناشویی کاهش پیدا می کند. چنانچه دیده می شود مقدار T مربوط به متغیر بهزیستی روانشناختی ۲/۵۹۹- در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

با توجه به معنادار شدن رابطه محاسبه شده با ۰/۹۹ احتمال نتیجه گرفته می شود که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی زنان رابطه وجود دارد، تایید می شود. و متغیرهای طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی بهترین پیش بینی کننده برای روابط فرازناشویی است

فرضیه فرعی اول : بین طلاق عاطفی با روابط فرازناشویی زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۵: ماتریس همبستگی متغیر میزان طلاق عاطفی با روابط فرازناشویی

متغیر	طلاق عاطفی	روابط فرازناشویی
طلاق عاطفی	۱	۰/۵۸۴**
روابط فرازناشویی	-	۱

$p < 0.01$

براساس داده های جدول ۵ ضریب همبستگی محاسبه شده نشان می دهد که بین طلاق عاطفی با روابط فرازناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۰/۰۱ < p ، ۰/۵۸۴ r) به عبارت دیگر هر چقدر متغیر میزان طلاق عاطفی افزایش یابد، متغیر روابط فرازناشویی نیز افزایش می یابد.

فرضیه فرعی دوم: بین بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی زنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶: ماتریس همبستگی متغیر میزان بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی

متغیر	بهزیستی روانشناختی	روابط فرازناشویی
بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی	۱	-۰/۴۱۸**
	-	۱

$p < 0.01$

براساس داده های جدول ۶ ضریب همبستگی محاسبه شده نشان می دهد که بین بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد (۰/۰۱ < p ، -۰/۴۱۸ r) به عبارت دیگر هر چقدر متغیر میزان بهزیستی روانشناختی افزایش یابد، متغیر روابط فرازناشویی نیز کاهش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

همانطور که در نتایج تحلیل های آماری فوق مشاهده گردید و با توجه به معنی دار شدن رابطه محاسبه شده با ۰/۹۹ احتمال نتیجه گرفته می شود که فرضیه پژوهش مبنی بر این که بین طلاق عاطفی و بهزیستی روانشناختی با روابط فرازناشویی در زنان رابطه وجود دارد تأیید می شود و متغیرهای طلاق عاطفی، بهزیستی روانشناختی بهترین پیش بینی کننده برای روابط فرازناشویی است.

یافته های حاصل از این تحقیق در این زمینه با نتایج برخی از تحقیقات پژوهش های رسولی تبار و همکاران (۱۳۹۶)، چالستری و همکاران (۱۳۹۵) و فراست کیش و همکاران (۱۳۹۵) هاشمی و همکار (۱۳۹۳)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۲)، باستانی و همکاران (۱۳۸۹) همسو می باشد.

در تبیین این موضوع می توان گفت که برخی ازدواج ها با طلاق پایان نمی یابند، به ازدواج های توخالی تبدیل می شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می روند و زمان را سپری می کنند، استیل و وارن (۱۳۸۸) طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است؛ همسران به جای حمایت از یکدیگر در جهت آزار و اذیت و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می نمایند و هر یک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند. در زنان ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی در تعامل هستند که به شدت بهزیستی روانشناختی زنان را تحت تأثیر قرار می دهد میزان بالای پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، زندگی هدفمند، رشد شخصیتی در زنان به همان اندازه می تواند زنان را از روابط فرازناشویی دور کند که طلاق عاطفی می تواند زنان را به سمت روابط فرازناشویی سوق دهد. زوج های ایمن سطوح بالاتر صمیمیت و تعهد را در روابط خود تجربه می کنند و زوج های نایمن سطوح پایین تر این ویژگی را گزارش کرده اند. بنابراین تعارضات میان فردی بیشتری را به خصوص با همسر خود تجربه می کنند، که خود عامل زمینه ساز برای روابط فرازناشویی است (عسگری، ۱۳۸۲).

فرضیه فرعی اول این پژوهش با نتایج پژوهش های رشید و همکار (۱۳۹۶)، هاشمی و همکار (۱۳۹۳)، عبدی و همکار (۱۳۹۲)، ابراهیمی و همکار (۱۳۹۱)، شریفی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد و در تبیین آن می توان گفت که پل بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود. زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می شود، که در آن هر یک از زن و شوهر، به دلیل غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار دهد. طلاق عاطفی، رابطه ای را توصیف می کند که در آن همسران در محیط های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر می رسند، ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند. بنابراین در طلاق عاطفی، زوجین فقط در زیر یک سقف زندگی می کنند؛ در حالی که ارتباطات بین آن ها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است (محمدی، ۱۳۸۳). بنابراین شرایط علی نادیده گرفته شده در زنان شامل نیازها، انتظارات و نظرات زن توسط مرد می باشد که نمونه های آن شامل عدم تأمین نیاز عاطفی، بی توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، عدم هم دلی و همراهی و انتخاب نامناسب همسر می باشد که زنان به شکل بیمارگونه به سمت روابط فرازناشویی سوق می دهد به این امید که بتوانند برای نیازها و انتظارات و نظرات خود خود پاسخی مطلوب دریافت کنند.

فرضیه دوم پژوهش نیز با نتایج پژوهش های چالستری و همکاران (۱۳۹۵)، فراست کیش و همکاران (۱۳۹۵)، عبدی و همکاران (۱۳۹۲)، ترابی و همکاران (۱۳۹۱)، باستانی و همکاران (۱۳۹۰)، حسینی و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد. این

فرضیه راجعین می‌توان تبیین کرد که گلاسز برای انسان دو نیاز اساسی قائل است: نیاز به مبادله عشق و محبت و نیاز به احساس ارزش. وی نشانه بارز سلامت روان را پذیرش مسئولیت می‌داند و معتقد است که هر فردی یک هویت متصور دارد که بدان وسیله احساس موفقیت یا عدم موفقیت نسبی می‌کند. مدل سلامت بهزیستی سه نوع بهزیستی هیجانی، بهزیستی روانشناختی و بهزیستی اجتماعی را باهم ترکیب کرده و مفهوم کامل و جامع از بهزیستی را که هم جنبه عاطفی (بهزیستی هیجانی) و هم جنبه کاربردی (بهزیستی روانشناختی و اجتماعی) سلامت روانی را در بر می‌گیرد به وجود آورده است. سلامت روانی دارای ۱۳ نشانه است که ۲ نشانه مرتبط با بهزیستی هیجانی ۵ نشانه مرتبط با بهزیستی اجتماعی و ۶ نشانه مرتبط با بهزیستی روانشناختی است. بهزیستی روانشناختی به معنای قابلیت یافتن تمام استعداد های فرد است طبق تحقیقات شریفی و همکاران (۱۳۹۱) بین سبک‌های عشق ورزی دوستانه، بازیگرانه، شهوانی، واقع گرایانه و فداکارانه با انگیزه‌های خیانت زناشویی درابعاد عشقی، جنسی، هیجانی و انگیزه‌های بیرونی رابطه‌های معناداری وجود دارد. لذا هرچه میزان بهزیستی روانی افزایش یابد به همان اندازه گرایش افراد به خیانت و ورود به روابط فرازناشویی کاهش می‌یابد و برعکس.

نتایج این تحقیق می‌تواند به خیل عظیمی از زنان درگیر در روابط فرازناشویی و مشاوران، روانشناسان، روانپزشکان و مددکاران اجتماعی کمک بنماید، بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزش شیوه تفکر منطقی و مهارت‌های ارتباطی صحیح در قالب آموزش قبل از ازدواج به منظور پیش‌گیری از بروز مشکلات زناشویی صورت گیرد. همچنین توصیه می‌شود در تحقیقات آتی عامل فرهنگ و مذهب در پیش بینی روابط فرازناشویی در ایران با سایر کشورها مقایسه و بررسی گردد و نیز پژوهش‌هایی از این نوع روی زنان و مردان به صورت مجزا انجام شود تا نتایج قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری داشته باشد. لازم به ذکر است که با توجه به آنکه پژوهش حاضر بر روی زنان متاهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان درمانی شهر تهران صورت گرفته است، قابلیت تعمیم نتایج آن به جوامع دیگر محدود است. از دیگر محدودیت این پژوهش می‌توان به ویژگی اجتماعی و فرهنگی جامعه و ملاحظات آن که باعث می‌شود افراد در بسیاری از موارد محافظه کار باشند و از دادن اطلاعات صحیح طفره روند، اشاره کرد.

منابع

- استیل، ال. کید، وی. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده. ترجمه: سیدان، ف؛ کمالی، ا. انتشارات دانشگاه الزهرا (س). تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۱.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه شناسی زندگی های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهاک جامعه.
- رسولی تبار، محمد رضا، جابری، سید علی (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سواد عاطفی و سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۲۵. صص ۱۳۹ - ۱۴۸.
- رشید، خسرو؛ مرادی، آزاده. (۱۳۹۶). تعیین نقش متغیرهای ارتباطی در پیش‌بینی طلاق عاطفی. دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. دوره ۶. شماره ۱۰. صص ۱۳۳-۱۵۱.
- شریفی مرضیه، حاجید حیدری مهناز، خورش فریبرز، فاتحی زاده مریم (۱۳۹۱) "رابطه طرح واره های عشق و توجیه روابط فرازناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان" پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی
- شفیع آبادی، اکبر، اکبری زهرا، هنرپروران نازنین، (۱۳۹۰)، "مقایسه ی سبک های دلبستگی در مردان متاهل با روابط فرازناشویی و فاقد فرازناشویی". مجله اندیشه و رفتار، دوره ی پنجم، شماره، ۲۰. ۲۵-۳۰.
- صفائی راد، س. وارسته ف ر، ا. (۱۳۹۰). رابطه بین تعارض های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاههای شرق تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۵(۲۰)، ۸۵-۱۰۶.

Baucom , D.H.D.K . Snyder , and K.C.Gordon ۲۰۰۹, Helping couple get past the affair : a clinicians guide .New York : Guilford Press.

Fricker J. Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Lovestyles, and the Investment Model [Thesis]. Hawthorn, Australia: Swinburne University of Technology; ۲۰۰۶. ۲۰۱۳.

Jeanfreau, Michelle, Marchese. (۲۰۰۹), A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity, An abstract of a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy, University Manhattan, Kansas.

Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (۲۰۱۱). The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. British Journal of Arts and Social Sciences, ۱(۲), ۸۹-۹۳.

Omarzu J, Miller AN, Schultz C, Timmerman A. Motivations and emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. Int J Sex Health ۲۰۱۲; ۲۴(۲): ۱۵۴-۶۲.

Ryff Carol D, Singer BH, Love GD. (۲۰۰۴). Positive health: Connecting well-being with biology, Philosophical Transactions of the Royal Society of London, B: Bio Sci ۳۵۹.

Ryff, CD.& Singer, BH. Love, G.D. (۲۰۰۴) Positive Health: connecting well-being with biology. Philosophical transaction of the royal society of London, ۳۵۹(۱۴۴۹), ۱۳۸۳-۱۳۹۴.

Vaughan p. The monogamy myth.۳ rdedds. New York: New market press; ۲۰۰۸

Wiederman MW, Hurd C. Extradyadic Involvement during Dating. Journal of Social and Personal Relationships ۱۹۹۹; ۱۶(۲): ۲۶۵-۷۴.